



Analyzing how the Kalb tribe faced Islam based on geopolitical foundations

HabibiKian Meisam¹  Mehran Esmail²  Sattar_Oudi³ 

1. (Corresponding Author) Ph.D. in Teaching Islamic education, Department of History and Civilization, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: habibikian110@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran. Email: me_esmaeil@sbu.ac.ir

3. Associate Professor, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: sattar_oudi@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 8Octo2022

Received in revised

form:9Janu2023

Accepted: 15Janu2023

Publishedonline:8April2023

Key word :

Prophet of Islam

Kalb Tribe,

Pre-Islamic,

Islam,

Arabian Peninsula,

Geopolitics.

ABSTRACT

It is necessary to study the socio-political life of the Arab tribes and their reaction to Islam to know the early history of Islam. One of the most powerful tribes in the north of the Arabian Peninsula was Bani Kalb b. Wabara, resisted the acceptance of Islam until the last years of the Prophet's life, relying on geopolitical interests. The attribution to Yemen, the vast geography, the leadership of the judiciary, and the religion were the cause of the solidarity of the kalbis who sought to preserve it. Therefore, the leading research tries to answer with an analytical-descriptive method of how this tribe treats Islam and studies the effective geopolitical factors in it, as a result of which the strategy of the Prophet has also been studied. The results of the research show that the people of the Kalb tribe, depending on their political geography, confronted the Muslims as much as possible, and it was only after the actions of the Prophet in reforming their interests that they converted to Islam.

Cite this article: Meisam, Habibikian & Esmail, Mehran & Oudi, Sattar (2023). Analyzing how the Kalb tribe faced Islam based on geopolitical foundations. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 17, No.32 Pages:152-180.

DOI. 10.22111/JHR.2022.37114.3041

© The Author: Meisam Habibikian & Mehran Esmail & Oudi Sattar

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



واکاوی نحوه مواجهه قبیله کلب با اسلام بر اساس تعلقات ژئوپلیتیکی

میثم حبیبی کیان^۱ ✉ مهرا ن اسماعیلی^۲ ID ستار عودی^۳ ID

۱. (نویسنده مسئول) دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. habibikian110@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. me_esmaeil@sbu.ac.ir

۳. دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sattar_oudi@yahoo.com

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

بررسی حیات سیاسی - اجتماعی قبایل عرب و واکنش آنها در مواجهه با اسلام، برای شناخت تاریخ صدر اسلام ضروری است. از جمله قبایل قدرتمند شمال جزیره العرب، بنی کلب بن وبرة بود که با تکیه بر علایق ژئوپلیتیکی، تا آخرین سالهای حیات پیامبر(ص) در قبال پذیرش اسلام مقاومت کرد. در واقع انتساب به یمن، جغرافیای گسترده، زعامت و رهبری قضاعیان و رویکرد اعتقادی عامل همبستگی کلبیان بود که برای حفظ آن تلاش می کردند. بنابراین پژوهش پیش رو می کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی به چگونگی برخورد این قبیله با اسلام و مطالعه عوامل ژئوپلیتیکی موثر در آن پاسخ دهد که به تبع آن راهبرد پیامبر(ص) نیز مورد واکاوی قرار گرفته است. نتایج تحقیق گویای آن است که مردم قبیله ی کلب با وابستگی به جغرافیای سیاسی خود تا سرحدّ توان به رویارویی با مسلمانان پرداختند و تنها پس از اقدامات پیامبر(ص) در اصلاح علایق آنها بود که به اسلام گرویدند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹

واژه های کلیدی:

پیامبر اسلام(ص)،

قبیله کلب،

پیشا اسلامی،

اسلام،

جزیره العرب،

ژئوپلیتیک.

استناد: حبیبی کیان، میثم و اسماعیلی، مهرا ن و عودی، ستار (۱۴۰۲) واکاوی نحوه مواجهه قبیله کلب با اسلام بر اساس تعلقات

ژئوپلیتیکی، پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۲، دوره ۱۷، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۲، ص ۱۵۲-۱۸۰.

DOI. 10.22111/JHR.2022.37114.3041

© نویسندگان . میثم حبیبی کیان و مهرا ن اسماعیلی و ستار عودی



ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

تبیین جایگاه و نقش قبایل عرب مقدمه‌ی شناخت تحولات صدر اسلام است (۱) و از این جهت که رسول خدا (ص) در جامعه‌ی قبایلی عرب مبعوث شد، قدرت قبایل عرب در کنار تعصبات قبیله‌ی یکی از چالش‌های تبلیغ و انتشار اسلام بود. در این میان قبایلی که از قدرت و شرافت بیشتری برخوردار بودند، مواجهه سخت‌تری با اسلام داشتند که بنی کلب از جمله‌ی آنهاست. این قبیله یکی از تیره‌های قضاعه است که با پشتوانه‌ی تاریخی، کثرت طایفه‌های منشعب، جغرافیای گسترده و راهبردی، مناسبات با حکومت‌های محلی و رهبری قضایان به قبیله‌ای تأثیرگذار در اواخر دوران جاهلیت و صدر اسلام تبدیل شده بود. از این رو نمی‌توان از نقش سیاسی اجتماعی آن چشم پوشید، به ویژه این که تأثیرگذاری آنها پس از رحلت رسول خدا (ص) و در دوران امویان کلیدی است. از دیگر سو دانشمندان علم جغرافیا، ژئوپلیتیک را یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده‌ی سرنوشت گروه‌های انسانی برمی‌شمارند که با ایجاد وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، قدرت و منفعت را به ارمغان می‌آورد. در این راستا قبیله‌ی کلب هم با تکیه بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای، از جامعه‌ی پیرامون خویش تأثیرات فراوانی را پذیرفت، از این رو در مقابل حکومت نوپای اسلامی رویکردی متناسب با وابستگی ژئوپلیتیکی خویش در پیش گرفت. بنابراین بررسی نحوه‌ی مواجهه قبیله‌ی کلب و رویکرد آنان با اسلام با توجه به وابستگی‌های ژئوپلیتیکی، مسأله‌ی اصلی پژوهش است و پژوهشگر قصد دارد با تحلیل و تطبیق گزارش‌های تاریخی و جغرافیایی، بخشی از تاریخ صدر اسلام در بازه‌ی زمانی حیات پیامبر (ص) و راهبرد آن حضرت نسبت به قبیله‌ی کلب را واکاوی نماید. آنچه که مفروض است کلیان با تکیه بر جغرافیای سیاسی، خود را به عنوان قبیله‌ای قدرتمند و تأثیرگذار در شمال جزیره‌العرب مطرح ساختند که پیامبر (ص) در مواجهه با آنها ناگزیر به استفاده از راهبردی برنامه‌ریزی شده، گردید. در مورد تاریخچه و پیشنهادی موضوع پژوهش نیز باید گفت؛ اگرچه در خصوص قبایل عرب، آثار بسیاری در قالب کتاب و مقاله به رشته تحریر در آمده است لکن برخی از این پژوهش‌ها به صورت تجمیعی به قبایل عرب پرداخته‌اند و برخی نیز به صورت موردی قبیله‌ای را مورد تحقیق قرار داده‌اند. در مورد بنی کلب، پژوهشی که تمام جوانب این قبیله را در صدر اسلام دربرگیرد، انجام نشده و تنها در برخی از آثار به قسمتی از نقش این قبیله اشاراتی

شده است. به نظر می‌رسد مهمترین اثری که در این زمینه دیده شد، پایان‌نامه‌ای با عنوان «قبیله کلب و دورها فی التاريخ العربی حتی نهایة العهد الأموی فی الشام» (۲) است که ضمن چندین بار مکاتبه با دانشگاه مستنصریه، متن آن درخواست شد ولی به نتیجه‌ای نرسید. از این رو بانظر به خلاصه‌ی دو صفحه‌ای آن در مجله‌ی المورخ العربی، (۳) مشخص گردید که نگارنده درصدد بیان تاریخ این قبیله بوده و فاقد تحلیل نقش کلبی‌ها در مناسبات با پیرامونشان است. گذشته از این که تمرکز پژوهش مذکور بر دوره‌ی اموی است. مقاله‌ی «القبائل العربیة فی بلاد الشام و موقفها من حركة الفتح الإسلامی» از محمد ضیف‌الله البطاینه، ۱۹۸۵م، نیز دیگر تحقیقی است که در آن به مسائل کلی مانند سرزمین‌ها و اولین مسلمانان این قبیله اشاراتی شده است. باتوجه به این که درباره این قبیله رساله‌ای در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است، مقاله‌ی حاضر، می‌کوشد تا زوایایی از نحوه‌ی مواجهه قبیله‌ی کلب با اسلام و عوامل موثر در آن را مورد پژوهش قرار دهد. ویژگی این مقاله نسبت به پژوهش‌های نامبرده، ارائه و تطبیق شواهدی با تکیه به تاریخ قبیله و ژئوپلیتیک آن در دوره‌ی پیشاسلامی و صدر اسلام است که بیانگر تأثیر عوامل محیطی بر اسلام‌پذیری قبیله و چگونگی راهبرد پیامبر(ص) در قبال آن خواهد بود.

۱ - علایق ژئوپلیتیکی قبیله کلب مقارن با ظهور اسلام

بررسی تاریخ، جغرافیا و حیات سیاسی و اجتماعی قبیله کلب را می‌توان با ژئوپلیتیک آنها در ارتباط دانست. در واقع ژئوپلیتیک مفهومی شناور دارد و به دلیل تعاریف مختلف آن، از شفافیت و ثبات نسبی برخوردار نیست. آنچه که از میان تعاریف ژئوپلیتیک با مفهوم مدنظر در این پژوهش سازگارتر است؛ مطالعه روابط متقابل قدرت، جغرافیا و سیاست است که در حوزه‌های نفوذ، عوامل طبیعی، خصلت‌ها، باورها و کارکردهای گروهی و ترکیب‌های اجتماعی و بومی مورد توجه قرار می‌گیرد. (حافظ نیا، ۱۳۷۹، ۸۵) این واژه که از نظر بسیاری همان جغرافیای سیاسی است چون دربردارنده‌ی تأثیر جبری جغرافیا بر امور نظامی و راهبردی، سیاست و ساختار قدرت و اندیشه و باور عمومی است برای پژوهش حاضر انتخاب گردید. البته یکی از عرصه‌های جدید پژوهشی در حوزه تاریخ و جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک سازه‌های انسانی است که بر پایه‌ی جایگاه و اثرگذاری

مذاهب، نژادها، فرهنگ‌ها، اقوام، سیاست‌ها، طبقات، فضاها، مکان‌ها و... بنا می‌شود و تکامل می‌یابد. (Hafeznia, 2015, 9) در این که تا به حال از این عنوان برای بررسی قبایل استفاده شده است، سابقه‌ای در دست نیست هرچند در مورد گروه‌های انسانی مثل شیعیان و سایر اجتماعات بشری در قالب کشورها، کاربرد آن رواج دارد. حال از آنجا که یکی از سازه‌های انسانی بشر از گذشته تا به امروز قبیله است پس در مورد ژئوپلیتیک قبایل و اثرپذیری آن از عوامل پیرامونی مانند نژاد و اصالت، عصبیت قبیله‌ای، پیشه و جغرافیای محل زندگی، فرهنگ و رسوم و جایگاه رهبری و زعامت قبیله، می‌توان سخن راند. بنابراین هر آنچه که مربوط به هویت جمعی و پابندی به راهبرد قبیله در طول زمان است را می‌توان جزء ژئوپلیتیک سازه‌ی انسانی قبیله گنجانده که نتیجه‌ی آن ایجاد قدرت و نفوذ جمعی قبیله و وابستگی طایفه‌ها به آن است.

با این مقدمه به نظر می‌رسد لازمه‌ی شناخت رفتار و نقش سیاسی اجتماعی قبایل در مواجهه با اسلام، آگاهی از علایق ژئوپلیتیکی آن‌هاست. چراکه زیربنای منافع هر جمع، وابسته به تعلقات ژئوپلیتیک آن‌هاست که ناظر بر ویژگی‌های طبیعی و انسانی است و تأمین‌کننده احتیاجات آن جمع در ابعاد مختلف (نظامی، سیاسی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، دینی، علمی و...) است. (رک: حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ۱۲۰) بنابراین مطالعه‌ی کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعات بشری بدون در نظر گرفتن علایق ژئوپلیتیکی سازه‌های انسانی آن‌ها، دقیق نیست و باید در پژوهش‌های مربوط به قبایل هم این نگرش کاربردی گردد.

از دیگر سو پژوهش تاریخ صدر اسلام، بدون واکاوی رفتار و شناخت قبایل عرب امکان‌پذیر نیست، از این رو بازخوانی عملکرد قبیله‌ی کلب بعنوان یکی از قبایل تأثیرگذار در مواجهه با اسلام و راهبرد پیامبر(ص) در قبال آن نیز مورد توجه است. در این راستا حیات قبیله کلب در دوره‌ی جاهلیت، گویای چگونگی شکل‌گیری علایق ژئوپلیتیکی این قبیله براساس نسب، دین، جغرافیا، زعامت، و سایر مناسبات در طول زمان است که در ادامه به اشاره خواهد شد.

۱ - ۱ - نسب و اصالت

در این که قبیله‌ی کلب تیره‌ای از قضاعه است کسی تردیدی نکرده است. (یعقوبی، بی تا، ج ۱: ۲۰۳) و از آنجا که خاستگاه قضاعیان جنوب شبه‌جزیره است، مورخانی چون ابن کلبی، ابن اسحاق، ابن حزم و فاکهی، قضاعه را در کنار مذحج به عنوان یکی از قبایل قحطانی، جزء جماجم عرب (۴) بیان کرده‌اند. (ابن خلدون، ۱۹۸۸، ج ۲: ۵۱۵) علاوه بر این وجود عمرو بن مالک بن مره بن یزید بن مالک بن حمیر بن سباء در شجره‌ی قضاعه که صاحب منطقه‌ای در «شحر» بود و اشاره برخی از گزارش‌ها بر حکومت شخص قضاعه بر شحر و خاکسپاری او در کنار کوه شحر (اصطخری، ۲۰۰۴، ج ۱: ۲۰۰) بیانگر آن است که اولین منازل و منشاء قضاعیان سرزمین یمن بوده و حتی آنها در سرزمین‌های «شحر» و «مهرة»، از مکان‌های اصلی قحطانی‌ها، حکومت داشتند که نجران در شمال را هم دربرمی‌گرفت. کوچ آنان از نجران به حجاز سبب شد که در میان قبایل عدنانی قرار گرفته و با آنها ممزوج شوند و از این روست که برخی از نسابان آنها را از عدنانی‌ها برمی‌شمارند. (زیدان، ۱۹۲۲، ج ۱: ۱۶۹) لکن با توجه به دلایل پیش‌گفته به نظر می‌رسد قول به جنوبی بودن قضاعه و به تبع آن کلب، ارجح باشد و تواتر اهل یمن در قحطانی دانستن قضاعیان مویدی بر آن است. (باشمیل، ۱۹۷۳: ۱۵۱) در این راستا تلاش کلبی‌ها پیش و پس از اسلام برای یمنی‌دانستن خود قابل توجه است، چراکه باور به برتری عرب جنوب موقعیت آنها را نسبت به قبایل شمالی حفظ می‌کرد و به آنها در کنار یمانی‌ها، هویتی مبتنی بر ژئوپلیتیک انسانی متأثر از نسب و اصالت می‌بخشید. این تأکید بر نسب، آنچنان تعلق ژئوپلیتیک در قبیله‌ی کلب ایجاد کرد که منشأ رقابت و درگیری‌های خانمان‌سوز با دیگر قبایل از دوره‌ی جاهلیت تا یک قرن پس از اسلام شد.

۱ - ۲ - جغرافیای زندگی (۵)

قضاعه و زیرمجموعه‌ی آن پس از ویرانی سد مأرب، با مهاجرت به مناطق شمالی شبه‌جزیره در بسیاری از نقاط آن دیده شده‌اند. با افزایش جمعیت، قبایل زیرمجموعه‌ی قضاعه با تکیه بر دامداری و پرورش شتر و زندگی کوچ‌روی، در پی دستیابی به چراگاه‌های بیشتری بودند. (۶) بدین ترتیب با حرکت و استقرار در مناطق مختلف شبه‌جزیره، قلمروی وسیعی را به خود اختصاص دادند که از

نظر راهبردی قابل توجه و در روند تاریخ عرب، نقش آفرین بود. (Webb, 2020, 3:492) کلب بن وبرة پس از مهاجرت پدرانش از جنوب با برادرانش در وادی سباع (۷) زندگی می‌کرد. (حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۳۴۴) البته گزارش‌هایی از او و قبیله‌اش در دیگر مناطق شبه‌جزیره موجود است چنانکه منابع تاریخی از برخی طوایف کلب نام برده‌اند که به نجد نقل مکان کردند. (حموی، ۱۹۹۵، ۲: ۲۷۱) وجود برکه‌ی «خُواب» در شمال نجد که به دختر کلب بن وبرة منسوب است براین جابجایی دلالت دارد. (بلاذری، ۱۹۹۸، ۲: ۴۵۸) با افزایش جمعیت فرزندان کلب، اطراف نجد از جمله حِضْن (حمیدالله، ۱۰۱) و «رَبْدَه» در جنوب و کویر الدَهْناء در شرق نجد (بکری، ۱۹۸۳، ۳: ۹۱۴ و ۴: ۱۲۳۶) جزء مناطق آنان شد که حتی برخی از آنها مثل زهیر بن جناب در اواخر قرن پنجم میلادی در آنجا دیده شده‌اند. (فریجات، ۱۴۱۴، ۱۳۶) با توجه به شعر اُخْس بن شهاب، (۸) حضور کلبیان در رمل‌عالج (کویر نَفُود) تا اندکی قبل از ظهور اسلام، ثابت شده است لکن با ورود فرزندان نزار به نجد، قبائل کلبی مجبور به کوچ از مناطق مرکزی شدند. بنی‌عبدالله پس از شکست از بنی‌کنانه در یوم النهاده به عُسْفان در هشتاد کیلومتری شمال مکه رفتند (حموی، ۱۹۹۵، ۴: ۱۲۱ و ۱۲۲) و تا صدر اسلام که پیامبر خدا (ص) آنها را به اسلام فراخواند، در آنجا بودند. (طبری، ۱۹۷۶، ۲: ۳۴۹) برخی دیگر نیز در «جَدیر» نزدیک جدّه جای گرفتند (بکری، ۱۹۸۳، ۱: ۱۷ و ۲: ۳۷۰) و بنی‌عامر در کنار چشمه‌های اُسیاح که به آنها نجاج بنی‌عامر می‌گفتند، پراکنده بودند. (ابن حائک، بی‌تا، ۱۳۵) بنابراین مرزهای سرزمین کلب در دوره‌ی سکونت در مرکز شبه‌جزیره را می‌توان به نواحی نجد و بالای آن در رمل‌عالج، محدود دانست. (کحاله، ۱۹۹۴، ۵: ۳۶۲) عده‌ی دیگری از فرزندان کلب که در شمال شرق جزیره‌العرب مستقر بودند، در وادی سماوه کسی را با خود شریک نکردند (ابن حائک، بی‌تا، ۲۷۲) و برخی مناطق آن مانند «جَناب» را به اسم بزرگان قبیله نامیدند. (حموی، ۱۹۹۵، ۲: ۱۶۴) جغرافی‌دانان در کنار سماوه از سرزمینی به نام «دیار بنی‌کلب» در شمال دومه‌الجندل و جنوب صحرای سوریه (بُخیت، ۱۹۸۷، ۳: ۱۵۹) و صحرای عرعر نام می‌برند که کمتر قبیله‌ای حاضر بود در آنجا مستقر شود و برای آن با دیگر قبایل ستیز کند. (جاسر، ۱۹۸۰، ۳: ۸۹۸) تسلط طایفه‌های کلبی بر آب‌ها، دشت‌ها، مراتع و بستان‌های سماوه

به گونه‌ای بود که تا دوره‌ی اسلامی به «سماوه کلب» شناخته می‌شد (شیخو، ۱۹۸۹، ۱؛ عباس، ۱۹۶۸، ۱۴۴) و حتی اشعاری در این خصوص باقی مانده است. (۹) وجود فرزندان عوف بن اُبی - سلمی (ابن کلبی، ۱۹۸۸، ۲: ۶۱۱) و بنوعمار بن عبدالمسیح از طایفه‌ی بنی عامرالاکبر (حموی، ۱۹۹۵، ۴: ۳۶۰) و برخی تیره‌های منتسب به کلب مثل عدسیون (غنیمه، ۱۹۳۶، ۲۶) و زبید در «حیره»، این منطقه را به قلمرو دیگر قضاعیان بدل کرده بود. (عامری، ۱۹۹۲، ۱: ۱۸) حضور آنها در حیره روابط دوستانه بزرگان کلب با پادشاهان لخمی (۲۶۸-۶۳۲م) را به همراه داشت. (طبری، ۱۹۷۶، ۲: ۲۱۳؛ غنیمه، ۱۹۳۶، ۲۰۱) ابن خلدون نیز اماکن پیش گفته را تأیید می‌کند چرا که وی در ذکر طبقه سوم از عرب، کلبی‌ها را چادرنشین‌هایی خوانده که در یمن، حجاز، عراق و شام پراکنده بودند (ابن - خلدون، ۱۹۸۸، ۲: ۲۴۱) با همه‌ی پراکندگی جمعیتی گزارش‌های تاریخی گویای آن است که بنی کلب - اصلی‌ترین نماینده‌ی قضاعیان در ابتدای ظهور اسلام در منطقه‌ی دومه‌الجندل و تبوک، زندگی می‌کردند. (بکری، ۱۹۸۳، ۱: ۵۰) اداره معبد بت «وُدّ» در دومه‌الجندل از سوی عامرالاجدار بن عوف و دیگر طایفه‌های کلبی (یعقوبی، بی‌تا، ۱: ۲۵۵؛ ابن کلبی، ۱۳۶۴، ۱۵۰) و تصاحب عمده بازار دومه‌الجندل از سوی کلبیان، گواه حضور پر قدرت بنی کلب در آن مناطق در دوره‌ای از تاریخ پیشااسلامی تا زمان فتح آن در دوره‌ی اسلامی است. به نظر پیتر وب، کلبیان از دومه‌الجندل «وادی سرحان» در مسیر شام به شبه‌جزیره را کنترل می‌کردند. (Webb, 2020, 3:492) بنابراین دومه‌الجندل در کنار وادی سماوه و دیار بنی کلب مهم‌ترین منطقه تحت نفوذ قبیله‌ی کلب در صدر اسلام بود که قسمت وسیعی از شمال عربستان، غرب عراق و جنوب سوریه امروزی را در برمی - گرفت.

در این جغرافیای گسترده قبایل بازرگان و یکجانشین کلب به زندگی در دومه‌الجندل و اطراف آن و قبایل دام‌پرور به کوچ در بیابان‌های شمال شبه‌جزیره گرفته بودند. به نظر می‌رسد این ژئوپلیتیک خاص مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی این قبیله در اواخر دوره پیشااسلامی و صدر اسلام بود و آن زمانی که برخی از قبایل عرب با انگیزه‌های اقتصادی و ترس از گرسنگی، دختران خود را زنده به گور می‌کردند، (نصیری، زار عکار، ۱۳۹۶، ۲۰: ۲۰۳ و ۲۰۴) هیچ گزارشی از اینگونه اقدامات

در مورد قبیله کلب موجود نیست. نتیجه این که بدست آوردن این گستره‌ی جغرافیایی جهت جلب منافع مادی در طی قرون متمادی، بن‌مایه‌ی ژئوپلیتیک سازه انسانی به نام قبیله کلب بود که سرانجام به علقه‌ای ژئوپلیتیکی در این زمینه منجر شد و کلبیان را به دفاع از آن وا می‌داشت.

۱-۳- زعامت و رهبری

ساختار زندگی عرب مقارن با ظهور اسلام متکی بر تفکر خاندانی و تبعیت محض از بزرگان خاندان بود همانطور که در اغلب جوامع از جمله ایران آن دوره نیز این گونه بود. در این نوع زندگی معمولاً تصمیم اصلی را روسای خاندان‌ها می‌گرفتند و هدایت سیاسی - نظامی و اجتماعی و فکری برعهده سران و اشراف بود. (جهان، ایمان‌پور، عباسی، مفتخری، ۱۴۰۰، ۲۹: ۸۲) بنابراین بخشی از قدرت قبیله بستگی به ریاست آن داشت و رهبری با نفوذ می‌توانست جزء عوامل تأثیرگذار ژئوپلیتیک و ایجاد قدرت در قبیله باشد، همانگونه که اگر رئیس قضاعه از کلب بود، هم قدرت بیشتری داشت و هم بر کلب ریاست می‌کرد. البته ممکن بود در قضاعه شخصی غیر از افراد قبیله‌ی کلب رئیس می‌شد که در این صورت، قبیله‌ی کلب رئیسی جداگانه داشت. زهیر بن جناب از زعمای بانفوذ کلب محسوب می‌شد که توانست قبایل قضاعه را زیر یک پرچم جمع کند و بر کلب و قضاعه همزمان حکم براند. (پرو، ۱۹۹۶: ۲۰۸) اهمیت زعامت در قبیله تا بدانجا بود که زهیر پس از پیروی کنارگذاشته شدن، از غصه مُرد. (بغدادی، ۱۹۴۲، ۱: ۴۷۱) عبدالله بن علیم که خود رئیس طایفه‌ی بنی‌عبدالله بود، زعامت کلب را برعهده داشت ولی به ریاست قضاعه نرسید (ابن سعید، ۱۹۸۲: ۱۷۳) و در زمان طلوع اسلام نیز اُصیح بن عمرو کلبی از بنی‌حصن ریاست بنی‌کلب در دومه‌الجندل را به عهده داشت. (طبری، ۱۹۷۶، ج ۲: ۶۴۲) با توجه به این که در دوره‌ی پیشااسلامی بیشتر متولیان زعامت قبایل قضاعی، کلبی بودند و پس از اسلام نیز رهبری قبایل قضاعه و حتی یمنی‌ها با کلبیان بود، پیشوایی کلبی‌ها به مثابه‌ی حکومت بر مناطق وسیعی از شمال شبه جزیره محسوب می‌شد. از این رو بدست آوردن و حفظ رهبری قضاعیان، می‌توانست عاملی و انگیزه‌ای برای تثبیت جغرافیای سیاسی قبیله کلب باشد.

در راستای حفظ این ژئوپلیتیک متأثر از زعامت بر قضاعه، پیشوایان کلب سعی در ایجاد روابط با قبایل و حکومت‌های قدرتمند همجوار داشتند تا بر مزیت‌های ژئوپلیتیکی قبیله‌ی خود بیفزایند. زهیر بن جناب با حمیری‌ها و غسانیان ارتباط برقرار کرد. (میدانی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴۱) طایفه‌های کلبی ساکن در حیره با پادشاهی لخمی‌ها - مناذره - (۲۶۸-۶۳۲ میلادی) همسایه بودند و بزرگانی از کلب در دربار آنها رفت و آمد داشتند. (مرزبانی، ۱۹۸۲: ۲۰۶) آنها روابط سببی نیز با هم داشتند و وبره بن رومانس برادر ناتنی پادشاه آنان، نعمان بن منذر بود. گزارش‌های مختصری هم از ارتباط این قبیله با سلاطین کنده - بنی‌اکل المرار - (۴۸۰-۶۰۰ میلادی) وجود دارد. (غنیمه، ۱۹۳۶: ۲۶۲) مناسبات قبیله با دیگر قبایل بیشتر نیز از طریق همپیمانی و وصلت خانوادگی بود. آنها جهت حفظ منافع خود با طی و بنی‌قین روابط سببی داشتند و با بنی‌عوض از همدان و بنو جدیله از طیء و دیگر قبایل، پیمان بسته بودند. یکی از مهمترین پیمان‌های بنی‌کلب با بنی‌تمیم بود و تا سالها پس از اسلام ادامه داشت. (مغربی، ۱۹۸۰: ۶۴) لازم به ذکر است قبیله کلب در تاریخ طولانی‌اش برای حفظ و گسترش ژئوپلیتیک قبیلگی خود به تعداد زیادی جنگ تن داد و زهیر بن جناب به تنهایی در بیشتر از دویست جنگ شرکت کرده بود. (سجستانی، ۱۹۶۱: ۳۵) این حضور نشان از روحیه‌ی جنگاوری و شجاعت افراد قبیله بود به طوری که در وصف خود می‌گفتند: «أربطنا للخیل و أبدلنا للنیل» (۱۰) (همدانی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۲۱۷) و ادعا داشتند که «جوانان صبح‌اند» چرا که خورشید بر آنها طلوع نکرده بود مگر اینکه در جنگ و قتال بودند. (غندجانی، ۱۹۸۰: ۱۰۹) از این‌رو به نظر می‌رسد که پیوند و گسست در رفتار زعمای کلب با دیگر قبایل، مبتنی بر تأمین منافع و بهبود علایق ژئوپلیتیکی قبیله بوده است.

۱ - ۴ - باورها و اعتقادات

یکی از ویژگی مهم دیگری که می‌توان به عنوان عاملی در جهت تقویت حیات سیاسی - اجتماعی یک اجتماع مطرح شود، مجموعه‌ی باورهای آنها نسبت به جهان هستی است. اساساً بسیاری از سنن و آداب و رسوم رایج در جامعه که با مبنای اخلاقی و انسانی همخوانی دارد به عنوان باور در جامعه ماندگار می‌شود و حتی تغییرات سیاسی و مذهبی نیز قادر به از بین بردن این سنتها که در

قالب باور درآمده‌اند، نخواهد بود (رضوی و اشرفی، ۱۳۹۶، ۲۰: ۱۲۰) و همین اعتقادات می‌تواند سبب همبستگی اجتماعات انسانی شود و با دربرداشتن بنیادی‌ترین ارزش‌ها و هنجارها، عاملی برای ایجاد ژئوپلیتیکی مبتنی بر کیش و آیین باشد (۱۱). در این راستا مردم کلبی قبل از اسلام، از نحله‌های سرزمین‌های اطراف به حسب موقعیت خود تأثیر می‌پذیرفتند به گونه‌ای که طایفه‌های ساکن در قسمت‌های مرکز جزیره‌العرب به سبب همسایگی با بت‌پرستان، بت‌ها را می‌پرستیدند و عده‌ای از آنها که با غسانیان و رومیان در سرزمین‌های شام مجاور بودند به مسیحیت اعتقاد داشتند. چه بسا برخی از کلبیان بر آیین حنیف بودند، این گمان وقتی تقویت می‌شود که می‌بینیم مضمون برخی اشعارشان ایمان به خدا، قدرت خداوند بر بندگان و تقدیر او بر آسمان‌ها و خلائق است. (ابن-کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲: ۶۱۰)

گفته شده است گروه به بت‌پرستی در میان کلب از زمانی آغاز شد که عمرو بن لحي خزاعی، بُت «وَدَّ» را به عوف بن کنانه عطا کرد و او نیز آن را در دومة‌الجندل قرار داد. او نیز یکی از فرزندان او را به عبدود نام گذاری کرد (۱۲) (ابن کلبی، ۱۳۶۴: ۵۵) و فرزند دیگرش عامرالأجدار اولین خادم «وَدَّ» بود. (ابن کلبی، ۱۳۶۴: ۱۵۰) علاوه بر این بت‌های دیگری در نزد قبیله‌ی کلب مورد تقدیس قرار می‌گرفت. (جوادعلی، ۱۹۶۸، ج ۶: ۲۳۷) کعبه در بین بت‌پرستان کلبی اهمیت زیادی داشت و همه‌ساله بت‌پرستان کلبی برای حج گزاردن به سمت کعبه می‌رفتند (طبری، ۱۹۷۶، ج ۲: ۳۴۹) از این رو گفته می‌شود رکن یمانی را شارک ابن ابی‌سالم کلبی بنا کرد (ابن کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲: ۶۰۰) و زهیر بن جناب هم جزء افرادی بود که برای از بین بردن خانه‌ای که ظالم بن أسعد غطفانی برای رقابت با کعبه ساخته بود، حماسه آفرید. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۴، ج ۱۹: ۱۵) در سالهای مقارن با طلوع اسلام، قبایل بنی‌عبدود، بنی‌عامر بن عوف، بنی‌عامر الجدار، بنی‌خزرج، بنی‌عوف بن عامر الاکبر و اکثریت طایفه‌های منشعب از بنی‌جناب بت‌ها را می‌پرستیدند، به گونه‌ای که گروه‌هایی از آنها خدمتگذاران و گروهی پیروان متعصب (خُمس) بت‌ها بودند.

از دیگر سو لوئیس شیخو، قبیله‌ی کلب را از پایبندترین و قدیمی‌ترین عربها به دین نصرانیت برشمرده است. (شیخو، ۱۹۸۹: ۱۳۸ و ۵۱) البته همجواری، کارگری (ابن‌خلدون، ۱۹۸۸، ج ۲: ۵۲۰) و

تجارت با امپراطوری روم و نزدیکی با غسانیان سبب شده که طوایف کلبی مستقر در مرزهای شام به کیش نصرانیت درآیند و حتی اسامی رومی برای خود انتخاب کنند. (ابن کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲: ۶۲۳) اگرچه متون تاریخی اشاره دارند که خود غسانیان از قرن چهارم به بعد مسیحی شدند (ضیف، ۱۹۶۰: ۴۱) ولی در مورد نحوه ورود کلبی‌ها به نصرانیت مطالب زیادی منعکس نشده است. به هر حال بسیاری از تیره‌های قبیله‌ی کلب مانند بعضی از افراد طایفه‌های بنی‌حصن بن ضمضم، بنی‌زهیر و بنی‌عُلیم بن جناب از قرن پنجم میلادی تا ظهور اسلام و حتی دوره‌ی امویان، بر آیین نصرانیت بودند. لازم به ذکر است برآیند بررسی‌ها نسبت به اعتقاد مردم کلب در دوره‌ی پیشااسلامی نمی‌تواند تعداد دقیق قبایل مسیحی و بت‌پرست را مشخص کند ولی به این نتیجه رهنمون میشویم که پیروان این دو نحله در کنار هم از منافع قبیله دفاع می‌کردند. بنابراین باورها و اعتقادات عاملی در جهت همسبستگی قبایل کلبی بود تا با دفاع از آن تسلط خود بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای‌شان را از دست ندهند.

نتیجه این که عملکرد جمعی قبیله با تکیه بر جغرافیای سازه‌های انسانی متأثر از ویژگی‌های جامعه‌ی عرب پیش از اسلام، سبب رقم خوردن ژئوپلیتیکی خاص برای قبیله‌ی کلب شد که برتری آنها را در شمال شبه جزیره تأمین می‌کرد. از آنجا که خصلت‌های این قبیله پس از اسلام، همان ویژگی‌های دوره‌ی جاهلیت را داشت، دور از ذهن نیست که مواجهه قبیله با اسلام، چالش‌هایی را در پی داشته باشد و پیامبر(ص) را مجبور به اتخاذ راهبردی نماید که تهدید منافع قبیله‌ی آنها را کاهش داد و با به حداقل رساندن خصائص و وابستگی ژئوپلیتیکی، سبب اسلام پذیری آنها شود.

۲ - مواجهه قبیله کلب با اسلام

همانگونه که دعوت پیامبر اسلام(ص) در ابتدا به صورت فردی و سپس به صورت عمومی بود در مورد پذیرش اسلام از سوی مردم کلب نیز این ترتیب متصور است. بنابراین افراد کلبی که در خارج از قبیله و نزدیک محل نزول وحی زندگی می‌کردند به راحتی و به سرعت اسلام آوردند. اما در مقابل طوایف کلبی که در شمال شبه جزیره و خارج از جغرافیای ظهور اسلام بودند، در سالهای آخر حیات پیامبر(ص) و با مدیریت تعلقات ژئوپلیتیکی آنها از سوی پیامبر(ص) اسلام، مسلمان شدند. در

ادامه به نحوه‌ی مواجهه این دو گروه با اسلام خواهیم پرداخت.

۲ - ۱ - مواجهه انفرادی

کلبی‌ها کمابیش از ظهور اسلام اطلاع داشتند همانطور که اُسود بن شعر کلبی، هنگامی که در سرزمین‌های شام و شبه جزیره به تجارت مشغول بود ظهور پیامبر مورد انتظار را از بزرگان و اخبار یهود شنیده بود. (یعقوبی، بی تا، ۱: ۲۴۳) از دیگر سو آنها دائماً برای حجّ به مکه در حال تردد بودند (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۵۹۹) و یا برخی از آنها مثل عبد بن وهب بن خَوْلِی با قریش پیمان داشتند که از طلوع اسلام مطلع بودند. (واقدی، ۱۹۴۸: ۹۹۲)

اولین مسلمان از قبیله کلب زَيْدُ الْحَبِّ یا زَيْدُ بن حَارِثَةَ از بنی عبدود است. او که در کودکی توسط بنوقین اسیر شده بود، برای فروش به مکه آورده شد، حضرت خدیجه (س) او را خرید و به خانه رسول خدا (ص) آورد. (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۱۶۳) هنگامی که پیامبر اکرم (ص) به رسالت برگزیده شد، خدیجه (س)، علی بن ابیطالب (ع) و زید بن حارثه در خانه او به سر می بردند که همگی ایمان آوردند. از این رو او پس از حضرت علی (ع) نخستین مرد مسلمان معرفی شده است (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۳۱) برادر زید بن حارثه، جبلة، بود که با پدرش - در جریان جستجوی برادرش زید - بر پیامبر (ص) در مکه وارد شد و در مراجعت دوباره‌ی خویش، اسلام آورد. (ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۳: ۳۰) به نظر می رسد زید و برادرش تنها کلبیانی بودند که در مکه ایمان آوردند و بقیه افراد کلبی پس از هجرت آن حضرت به مدینه مسلمان شدند. دَحِيَّةُ بن خَلِيفَةَ دیگر کلبی بود که پیش از جنگ بدر اسلام آورد (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۴: ۲۴۹) و در اُحُد و نبردهای دیگر حضور داشت. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲، ج ۲، ۴۶۱) اگرچه او مسیحی بود ولی به دلیل پیشه‌ی بازرگانی به مکه و مدینه در رفت و آمد بود که با اسلام آشنا و مسلمان شد.

از دیگر پیشگامان مسلمان کلب پس از هجرت، سَعْدُ بن خَوْلِی - سَعْدُ بن قَيْس - موالی حاطب بن اَبی بَلْتَعَةَ بود. (بلادری، ۱۹۹۶، ج ۱: ۲۰۲) او جنگ بدر را درک کرد و سی و سه ماه پس از هجرت در نبرد اُحُد به شهادت رسید. (۱۳) (بغدادی، ۱۹۴۲: ۲۷۶) همچنین جَنَابُ بن حَارِثَةَ بن صَخْر (ابن - کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲: ۵۹۸) نیز پس از هجرت مسلمان شد ولی گزارش دیگری در دست است که

اسلام آوردن جناب را در روز فتح مکه می‌داند. (سجستانی، ۱۹۶۱: ۷۲) زُهَیْر بن مَكْحُول و کَلِیب بن مَكْحُول دو برادر از اصحاب رسول خدا(ص) و از طایفه‌ی بنی‌عامرالأجدار بودند که کلب در نبرد موته به همراه زید بن حارثه به شهادت رسید. (بلاذری، ۱۹۹۶، ج ۲: ۴۶۵) وَرَّام بن زَرَّاز طایفه‌ی بنی‌کعب بن عبدالله نیز بر پیامبر(ص) وارد و مسلمان شد، (سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۵: ۲۳۹) حَارِثَةُ بن عَبَّید از دیگر کلبیانی بود که گفته شده اسلام را در پیروی درک کرد و مسلمان شد. (سجستانی، ۱۹۶۱: ۹۴۸) جَهْبَل بن سَیْف، (ابن کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲: ۶۰۸) أَبُو هِلَال کلبی از بنی‌تیم‌اللوات (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۳۶۲) و مَالِک بن حَارِثَةُ کلبی از بنی‌عامرالأجدار که پدرش آخرین خادم بت «وَدَّ» بود، نیز از دیگر مسلمانان کلبی محسوب می‌شدند. (ابن کلبی، ۱۳۶۴: ۵۵) حَابِس بن دُعْنَةَ هم که اجیر عدی بن حاتم بود با شنیدن ظهور پیامبر اسلام، مسلمان شد. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲، ج ۱: ۲۷۹) نام أَبُو مُیْب کلبی را هم جزء اصحاب پیامبر(ص) می‌توان دید که مانند حَارِثَةُ بن أُصْرَم پس از هجرت مسلمان شد. (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۵۵۴)

افراد مذکور، اندک یاران کلبی پیامبر(ص) بودند که در راه گسترش اسلام و دفاع از پیامبر(ص) از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. نحوه‌ی مواجهه آنها با اسلام، از روی اضطراب نبود بلکه با قلب و جان خود اسلام را پذیرفته بودند. از این رو تاریخ، شاهد دریافت سمت‌های مهم، جانفشانی و شهادت برخی از آنها بود. مهمترین کارگزار کلبی رسول خدا(ص) زید بن حارثه بود که در سال هشتم هجری فرماندهی لشکر مسلمین در غزوه‌ی موته شد و به شهادت رسید. (طبری، ۱۹۶۷، ج ۳: ۳۶؛ بلاذری، ۱۹۹۶، ج ۱: ۴۷۳) دیگر فرمانده کلبی سپاه اسلام، عَلَیْب بن عَبْدِالله کلبی بود. او در دو نبرد فرمانده بود که هر دو را با پیروزی به سرانجام رساند. (واقدی، ۱۹۴۸، ج ۲: ۷۵۰) همچنین پیامبر(ص) او را قبل از فتح مکه برای شناسایی بدانجا فرستاد. (بلاذری، ۱۹۹۶، ج ۱۱: ۱۰۴) همچنین پیامبر(ص) دحیه کلبی را به دلیل این که قبل از اسلام تاجر مسیحی بود و به سرزمین‌های روم زیاد سفر می‌کرد، سفیر خود به سمت قیصر روم قرار داد. (طبری، ۱۹۶۷، ج ۳: ۶۴۹) براساس داده‌های تاریخی در خصوص اولین کلبیان مسلمان اینگونه می‌توان نتیجه گرفت که این افراد با دوری از قبیله و

خروج از فرهنگ سنتی آن، هیچگونه وابستگی به قبیله نداشتند و توانسته بودند با رهایی از علقه‌های ژئوپلیتیکی، براحتی آموزه‌های اسلامی را بپذیرند.

۲-۲- مواجهه جمعی

پیامبر اکرم (ص) برای عرضه دین اسلام به افراد و قبایل عرب، هرگز از پاننشست. از این رو علاوه بر تبلیغ اسلام در موسم حج به میان قبایل رفت و آمد داشت و آنها را به اسلام فرا می‌خواند که طایفه‌های کلب را نیز شامل می‌شد. طایفه‌ی بنی‌عبدالله از جمله آنها بود که پیامبر خدا (ص) به منازلشان رفت و آنها را به پرستش خداوند فراخواند، اما دعوتش را نپذیرفتند (۱۴). (طبری، ۱۹۷۶، ج ۲؛ ۳۴۹)

در بررسی روند اسلام‌پذیری قبیله‌ی کلب باید توجه داشت که کلبیان شمال شبه جزیره کمابیش از ظهور اسلام مطلع بودند لکن به دلیل وابستگی‌های ژئوپلیتیکی خود، اقدامی جهت همسویی با دین جدید از خود نشان نمی‌دادند. البته مسافت بیش از هزار کیلومتری مرکزشان در دومه‌الجندل تا مکه امکان تبلیغ پیامبر (ص) در میان آنها را منتفی می‌کرد، لکن به سبب ارتباطی که بین بازار عکاظ و بازار دومه‌الجندل بود، از آمدن دین جدیدی که به مقابله با بت‌پرستی برخاسته است، آگاهی داشتند. با هجرت پیامبر (ص) به مدینه و نزدیکتر شدن فاصله و نیز تغییر راهبردهای تبلیغی پیامبر (ص)، اهالی دومه‌الجندل از جمله کلبیان در دسترس اسلام قرار گرفتند لذا با توجه به موقعیت راهبردی آنها و احتمال تحریک از سوی روم علیه مسلمانان، باید هرچه زودتر به اسلام می‌گرویدند. بنابراین پیامبر (ص) در این روند راهبردی دقیق و مشخص، در جهت کاستن تعلقات ژئوپلیتیکی کلبیان در پیش گرفت و آنها را تابع حکومت اسلامی نمود. اگرچه واکنش قبایل کلب در مقابل این راهبرد متفاوت و کند بود.

اولین فراخوانی مستقیم قبیله کلب به اسلام به سال پنجم هجری بازمی‌گردد هنگامی که پیامبر (ص) با هدف تبلیغ اسلام به دومه‌الجندل رفت و آنها به خود فراخواند ولی آنها کشاورزی و دامداری خود را رها کرده و فرار کردند و تنها یک نفر مسلمان شد. (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲: ۶۲) همانگونه که طبری در این مورد گزارشی از حضور پیامبر (ص) نمی‌دهد. (طبری، ۱۹۷۶، ج ۲: ۵۶۴)

برخی گزارش‌ها علت حضور پیامبر در دومه را دفع ستم اهل دومه نسبت به بازرگانان برشمرده- اند. (مقدسی، بی‌تا، ج ۴: ۲۱۴) بطور حتم یکی از اولویت‌های تبلیغی پیامبر(ص) در شمال جزیره- العرب، دومه‌الجندل بود چرا که وجود بت‌پرستان متعصب از قبایل مختلف در کنار بت‌ود مرکزی را برای آنها در مقابل حکومت اسلامی ایجاد کرده بود، از این‌رو در شعبان سال ششم هجری، سپاهی هفتاد نفری با رهبری عبدالرحمن بن عوف را به سمت آنها فرستاد. عبدالرحمن، مردم آن سرزمین را به اسلام دعوت و سه روز صبر کرد. اهالی دومه‌الجندل در ابتدا از پذیرش اسلام امتناع کردند؛ اما در روز سوم، اصبح بن عمرو کلبی که رئیس قبیله و مسیحی بود، مسلمان شد و باعث گرویدن برخی افراد قبیله به اسلام شد. (واقعی، ۱۹۴۸: ۵۶۱) بنابر برخی از گزارش‌ها گروهی از کلبیان نیز پذیرفتند تا به حکومت اسلامی جزیه بپردازند. (تاریخ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۷۵) به نظر می‌رسد تخییر رضایت به پرداخت جزیه از سوی عده‌ای از مردم کلب، راهبردی زیرکانه‌ای بود که علائق ژئوپلیتیکی مبتنی بر باور آنان را به یکباره نفی نمی‌کرد ولی تنش را به حداقل می‌رساند، گذشته از این که این راهبرد در به تصویر کشیدن قدرت اسلام و ایجاد اختلاف بین مسیحیان و بت‌پرستان کلبی بسیار کارساز بود.

در سریه بعدی، زمانی که خیال پیامبر(ص) از سوی مسیحیان دومه‌الجندل راحت شده بود، در راستای نفی شرک، برای از بین بردن بت‌های شمال شبه جزیره اقدام نمود. از این‌رو در سال نهم هجری و هنگام بازگشت از غزوه‌ی تبوک، خالد بن ولید را برای از بین بردن بت «وڈ» در دومه- الجندل مأمور ساخت لکن دو طایفه‌ی بت‌پرست کلب (بنی‌عبدود و بنی‌عامرالأجدار) مقابل او ایستادند. خالد، آنها را شکست داد و سرانجام بت «وڈ» را درهم کوبید. قطن بن شریح و نعمان بن ماطل بن خیبری از کلبیانی بودند که در آن روز کشته شدند. (جوادی‌علی، ۱۹۶۸، ج ۶: ۲۳۰) البته برخی دیگر از گزارش‌ها دلیل حضور خالد را پیشگیری از اقدام حاکم نصرانی کنده در دومه‌الجندل، اکید بن عبدالملک، در کمک به رومیان علیه مسلمانان نوشته‌اند. (واقعی، ۱۹۴۸، ج ۳: ۱۰۲۵) در این صورت بی‌تردید بسیاری از افراد لشکر اکید بن عبدالملک از قوم کلب بودند چراکه از سوی مادر با قوم کلب وابسته بودند و دومه‌الجندل یکی از مکان‌های زندگی کلبیان محسوب می‌گردید. در

جمع بین دو روایت به نظر می‌رسد که کلیبان بت‌پرست برای حفظ موقعیت راهبردی دومه‌الجندل به کمک اکیدر سکونی آمدند تا نصارای دومه بمانند حمله قبلی توسط عبدالرحمن بن عوف تسلیم نشوند و موقعیت دومه‌الجندل بیش از پیش به خطر نیفتد اگرچه هر دو گروه بت‌پرست و مسیحیان از خالد بن ولید شکست خوردند.

باید در نظر داشت جایگاه راهبردی دومه‌الجندل و سرزمین‌های اطراف آن با اکثریت کلبی در شمال شبه‌جزیره که متأثر از وجود بازار دومه‌الجندل، معابد و بت‌کده‌ها و قرارگرفتن در مسیر تجاری جنوب به شمال، سبب شده بود که ژئوپلیتیکی ویژه‌ای حول ساکنان و اقوام آنجا رقم بزنند. از این رو پیامبر(ص) در این نبردها با کاستن و یا از بین بردن علایق قبایل آنجا (مثل تخریب بت و دبه عنوان نماد بت‌پرستی شمال شبه‌جزیره) آنها را به سمت اسلام سوق داد.

۲ - ۳ - وفود طایفه‌های کلبی

فتح خالد بن ولید، گویای پایان یافتن دوره‌ی بت‌پرستی و دخول کلیبان در اسلام است چرا که پس از آن بود که مردم کلب به صورت گروهی در سالهای نهم و دهم هجری مسلمان شدند. عبدعمر و بن جبلة و عصام بن عامر از خادمان بت «عنتر» از اولین گروه‌های کلبی بودند که خدمت پیامبر(ص) رسیده و ایمان آوردند. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۱۰) گروه دیگر حَمَل بن سَعْدَانَة و دو برادر به نام‌های حَارِثَة و حِصْن بن قُطْن بودند که مسلمان شدند. (ابن‌عبدالبر، ۱۹۹۲، ج ۱: ۳۸۶) پیامبر(ص) برای حمل پرچمی بست و برای حارثه بن قطن فرمانی صادر فرمود. (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۷۰۶) درجای دیگری مثل همین ماجرا از اسد بن حارثه از بنی‌علیم بن جناب نام‌برده شده‌است که با برادرش قطن و برخی از افراد قبیله‌اش بر پیامبر(ص) وارد شدند و طلب باران کردند. (صفدی، ۲۰۰۰، ج ۹: ۵) پیامبر(ص) دُومِی بن قَیْس از بنی‌خزرج را پرچمدار کسانی کرد که با او اسلام آورده بودند. (ابن‌کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲: ۵۵۷) روند مسلمان شدن گروهی بنی‌کلب پس از رحلت پیامبر(ص) نیز ادامه داشت. بیاض بن سُوید از طایفه بنی‌حصن در زمان خلافت عمر بن خطاب اسلام آورد. (عسقلانی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۴۷۳) و امرؤء‌القَیْس بن عَدِی از بنی‌علیم به اسلام گروید و عمر او را پرچمدار قضاعیانی قرار داد که با او مسلمان شده بودند. (عسقلانی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۳۳۵) در این راستا

گزارش‌های موجود نشانگر آن است که در عام‌الوفود گروه‌هایی از طایفه‌های مختلف کلب برای اسلام آوردن از هم سبقت می‌گرفتند و پیامبر(ص) نیز برای تقویت و جذب آنها، امتیازاتی را برایشان در نظر می‌گرفت. در واقع هدف پیامبر(ص) از این اقدامات حفظ جایگاه بزرگان طوایف و زعامت آنها بود که به گسترش اسلام در میان قبیله‌ی کلب کمک می‌کرد و سبب جذب افراد می‌شد.

۳- راهبرد پیامبر در مواجهه با قبایل کلبی

همانطور که گفته شد، مردمان قبیله‌ی کلب در پیش از اسلام به بت‌پرستی و مسیحیت باور داشتند و رفتارهای مبتنی بر اعتقاد این قبیله کاملاً منطبق با فرهنگ پیشااسلامی تعریف می‌شد. اسلام به عنوان دین جدید، آداب، تکالیف و قوانین جدیدی داشت که برای کلبی‌ها به مانند سایر مخالفان اسلام، کژکارکرد، غیرقابل قبول و برهم زنده‌ی نظم و ساختار سنتی آنها بود. از این رو نگرش آنها نسبت به دین جدید، چیزی جز مخالفت و منفی‌نگری مورد انتظار نبود و دشمنی کارکرد عقلی آنها محسوب می‌شد. حال با توجه به آنچه که از تاریخ بنی کلب و نسبت آن با جغرافیای سیاسی این قبیله در شمال شبه جزیره گزارش شد، می‌توان نتیجه گرفت که پیامبر(ص) راهبردی مبتنی بر مدیریت علایق جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کلبیان برگزید تا منافع قبیله با اسلام‌پذیری آنها کمترین تضاد را داشته باشد. از این رو در ادامه به بررسی این سیاست خواهیم پرداخت:

۳- ۱- نسب و عصبیت قبیله‌ی

از مهمترین علقه‌های قبیله کلب، نسب آنها بود و خود را از اصیل‌ترین و از قوی‌ترین قبایل (قحطانی) می‌دانستند، لذا پذیرش آیین اسلام را در تضاد با آن می‌پنداشتند. آنها قرون متمادی در جهت بدست آوردن منزلت و جایگاه در میان قبایل عرب شمال، خود را به قحطانیان و یمن منتسب می‌کردند، از این رو خود را از عدنانی‌ها و دیگران برتر می‌دانستند. این تفاخر قبیله‌ی مانعی بزرگ برای پذیرش دینی بود که قبایل عدنانی و پست‌تر (از نظر آنان) آن را پذیرفته بودند، از این رو براحتی زیر بار دین جدید که موقعیت آنها را به خطر می‌انداخت، نمی‌رفتند. در این راستا پیامبر(ص) با عدم ورود به این مباحث و تکیه بر ارزشهای اسلامی چون تقوا، نسبت به این علقه اقدامی انجام نداد تا کلبیان نسبت به این خیال راحتی داشته باشند اگرچه برخی منابع روایتی از

رسول اکرم(ص) در تأیید قحطانی بودن کلبیان گزارش کرده‌اند. (۱۵) علاوه بر تأکید بر نسب، از مهمترین علایق ژئوپلیتیک قبایل حفظ دامنه نفوذ و میراث قبیلگی است. بدین معنا که سبک زندگی قبیله، سبب می‌شد که اعضای آن در قبال شبکه‌ی قبیلگی، وظایف و حقوق متقابل - که حیات او بستگی به آن دارد - را بپذیرند و به آن وابسته شود. حال اگر شخصی در این دایره با آداب و رسوم جدید آشنا می‌شد، براحتی نمی‌توانست از این قیدها رها شده و رسم و شیوه جدید زندگی را بپذیرد ولی در مقابل کسانی که از این نظام دور بودند (مثل زید بن حارثه) پایبند به این موارد نبوده و زود اسلام را قبول کردند. از این رو پیامبر(ص) ضمن آگاهی از این نظام با امتیاز دادن به وفود کلب و ایجاد رقابت بین طایفه‌های کلبی، این علقه‌ی ژئوپلیتیکی انسانی متأثر از قبیله‌گرایی را تعدیل نمود. آن حضرت در این راستا با پذیرش افراد مختلف از طایفه‌های مختلف کلب در ابتدا درصدد ایجاد تزلزل در همبستگی و سپس کاهش تعصب قبیلگی آنها بود به صورتی که در سال نهم هجری وفود طایفه‌های کلب برای پذیرش اسلام گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربودند. نکته قابل توجه این است که اکثر این طوایف کلبی بت پرست بودند که برای مطرح کردن خود در این زمینه افسانه‌هایی را می‌ساختند(۱۶). در این دیدارها پیامبر(ص) به گرمی و با آغوش باز و احترام متقابل پذیرای وفود کلب بود تا علقه‌ای عاطفی را جایگزین علقه‌های قبیلگی کند و با تأکید بر اخلاق، تعصبات جاهلی آنها را بکاهد.

اقدام دیگر پیامبر(ص) نسبت به تعدیل علایق ژئوپلیتیک متأثر از نسب قبایل کلبی، ازدواج و روابط سببی بود. آن حضرت در جریان سریه‌ی دومه‌الجدل به عبدالرحمن بن عوف توصیه کرد که با دختر زعیم کلب، ثماضر بنت الأصبغ بن عمرو، وصلت کند. (واقعی، ۱۹۴۸، ج ۲: ۵۶۱) شخص پیامبر اکرم(ص) هم با خواستگاری از شراف بنت خلیفه، خواهر دحیه کلبی، او را به عقد خویش درآورد. اگرچه با او زفاف نکرد. (طبری، ۱۹۶۷، ج ۳: ۱۶۸) علی بن ابی‌طالب(ع) نیز با محیاه دختر امروءالقیس بن عدی و امام حسن(ع) با خواهرش سلمی و امام حسین(ع) با خواهر دیگرش رباب ازدواج کردند. (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۹۴) خلیفه‌ی سوم نیز زنی از طایفه‌ی بنی‌حصن به نام نائله داشت که از مسیحیت به اسلام درآمده بود. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۴، ج ۱۶: ۴۸۵) زبیر بن عوام

هم، همسری از کلب داشت. (صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۴: ۱۲۱) در واقع این کار پیامبر(ص) هم تأیید نسب کلبیان بود که به وصلت با آنان سفارش نمود و هم با وصلت و اختلاط قبایل قحطانی و عدنانی وابستگی‌های نسبی کلب را کاهش می‌داد. از سویی دیگر روابط سببی صحابه با کلب در بُعد سیاسی از اهمیت بسیاری برخوردار بود چراکه در این صورت کلبیان موقعیت و امکانات قبیلگی خود را با مسلمانان به اشتراک می‌گذاشتند. از این رو شاهد هستیم که این روابط سببی در دوران امویان به اوج خود رسید و چون پیمانی مستحکم در خدمت سیاست قرار گرفت.

۳- ۲- جغرافیا

بررسی قرارداد و پیمان نامه‌های پیامبر(ص) با کلبیان بیانگر آن است که آن حضرت بر تمامیت ارضی، پیشه و جغرافیای محل زندگی کلبیان تأکید داشت و درصدد آن نبود که جغرافیای سیاسی آنها را تغییر دهد. همانطور که گفته شد مردمان قبیله‌ی کلب با تکیه بر جغرافیای گسترده و مستعد در صدر اسلام به طایفه‌های توانگر و صاحب قدرت و شوکت تبدیل شده بودند. از این رو پذیرش دین جدید با شعار برادری و برابری با توانگری آنها در تضاد بود و مانع از اسلام‌پذیری آنها می‌شد. در این زمینه بازرگانان قبیله کلب بیشتر نگران بودند چرا که موقعیت راهبردی دومه‌الجندل را در خطر می‌دیدند از این رو نباید از آنها انتظار داشت که در رفت و آمد به مکه از اسلام تعریف کرده و آن را به درستی معرفی کنند و همینطور دور از ذهن نیست قبایل شهرنشین کلبی که در اشرافیت به سر می‌بردند و زندگی نسبتاً مرفه‌ی داشتند، نسبت به دین اسلام رویکردی منفعلانه داشته باشند. لکن راهبرد پیامبر(ص) حفظ جایگاه جغرافیایی قبیله‌ی کلب در شمال شبه جزیره بود از این رو وفود کلب پس از آمدن به مدینه و اظهار به اسلام دوباره به شمال شبه جزیره بازگشتند در حالی که همان علایق ژئوپلیتیکی سابق نسبت به مکان اسکانشان را داشتند و کسی متعرض جغرافیا و محل کسب و زندگی‌شان نشد. تأکید بر این مسأله در پیمان نامه‌های بین پیامبر(ص) و سران طوایف کلبی به وضوح قابل مشاهده است مانند عهدنامه‌ای که برای حارثه بن قطن نوشت. (ابن سعد،

۳ - ۳ - زعامت و رهبری

نکته مهمی که پیامبر در راهبرد خود نسبت به مواجهه کلیبان در نظر داشت، حفظ جایگاه بزرگان و روسای طوایف کلبی بود. بزرگان کلبی که بر پیامبر(ص) وارد می‌شدند علاوه بر تکریم، از آن حضرت منصبی را دریافت می‌کردند که غالباً ابقاء بر همان سمت قبلی در قبیله و یا نمایندگی پیامبر در منطقه زندگانشان بود. از این رو پیامبر(ص) با این کار به یکباره علایق ژئوپلیتیکی مبتنی بر رهبری آنها را نفی نمی‌کرد تا موجب گسست آنها از اسلام نگردد. پیامبر(ص) حتی به سردسته‌های وفود کلب که سمتی در قبیله نداشتند، مناصبی را اعطا می‌کرد تا نسبت بر اسلام ایجاد علقه نماید. نتیجه این که اسلام، ژئوپلیتیک مبتنی بر رهبری آنها در شمال را از بین نبرد بلکه برای آنها این رهبری را در قالب اسلام بازتعریف کرد. البته می‌توان هدف دیگر پیامبر(ص) از این اقدام را ایجاد سدّی از کارگزاران کلبی مسلمان در مقابل امپراطوری روم دانست.

۳ - ۴ - پافشاری بر باورهای نیاکان

مردمان کلب با اندیشه‌های دینی بیگانه نبودند چرا که در پی همجواری با مسیحیان، بسیاری از آنان مسیحی بودند. از دیگر سو بت‌پرستی نیز در بین آنها رواج داشت. از این رو باورهای مردم کلب، سالهای سال با این دو آیین گره خورده بود و خود را صاحب آیین می‌دانستند. بنابراین دور از نظر نیست وقتی که یک دین جدید بر آنها عرضه شود و آنها را مقابل مسلک گذشتگان قرار دهد، به مقابله برخیزند، همانطور که آیات قرآن نیز به این رفتار اشاره دارد. بنابراین پیامبر(ص) تصمیم گرفت که نسبت به دو گروه بت‌پرست و مسیحی کلب دو شیوه‌ی متفاوت را در پیش گیرد. از این رو آن حضرت با توجه به ملاحظات سیاسی در شمال جزیره‌العرب و حمایت رومیان از کلیبان مسیحی آنها را در پذیرش اسلام و یا دادن جزیه مخیر نمود اما در مورد بت‌پرستان این مسامحه را انجام نداد. آن حضرت با آگاهی از نفوذ و وابستگی مردم شمال جزیره‌العرب به بتها، با دستور به تخریب بت «وَدَّ» بعنوان نماد بت‌پرستی که سبب وابستگی کلیبان و دیگر قبایل شمالی به آن شده بود، این علقه‌ی ژئوپلیتیکی را از بین برد تا بهانه‌ای دیگری برای بت‌پرستان باقی نماند و راه هرگونه بازسازی و احیاء بت‌پرستی بسته گردد. از این رو می‌بینیم که پس از تخریب بت‌ها وفود

کلبی‌ها به سمت اسلام آغاز شد. در نتیجه‌ی تلاش‌های پیامبر(ص) برای مدیریت تعلقات ژئوپلیتیکی قبیله کلب به سمت اسلام‌پذیری آنها، گروه‌های زیادی از طوایف مختلف کلب مسلمان شدند لکن بدین معنا نیست که همه قبیله کلب به اسلام گرویدند. (واقدی، ۱۹۴۸، ج ۱: ۱۹۲) بلکه برخی بر تعصبات مذهبی و عصیّت قبیله‌ی خود باقی‌مانده بودند. بررسی افرادی که با وجود درک اسلام، مسلمان نشده بودند بیانگر آن است که تقریباً همه‌ی آنها مسیحیان کلب بودند؛ مانند حارثه بن صخر (سجستانی، ۱۹۶۱: ص ۷۲) حنظله بن صفوان، مالک بن ضب (بغدادی، ۱۹۴۲: ۳۰۵) و نیز ابووهب کلبی که حاضر به پرداخت جزیه شد. (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۵: ۳۳۰) گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که برخی از مردم کلب به دلایل مختلف از جمله تکیه بر حمایت روم، هنوز مواضع خصمانه‌ی خود در برابر اسلام را داشتند (علی بیگی و دیگران، ۱۳۹۷، ج ۷: ۳۰) لذا در زمان خلیفه سوم، برخی از آنها بر آیین مسیحیت بودند. (ابن کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲: ۵۶۷) در مقابل اندکی پس از رحلت رسول خدا(ص)، برخی از بت‌پرستان کلبی شمال جزیره‌العرب، در زمره‌ی قبایل مرتد قرار گرفتند و تنها کارگزار رسول خدا(ص)، امرؤالقیس بن اصبخ کلبی بر اسلام بماند. (طبری، ۱۹۷۶، ج ۳: ۲۴۳؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۲: ۳۴۳) جودی بن ربیع و ودیع کلبی با فراخواندن هم‌قبیله‌ای‌های خود به نبرد بر علیه مسلمانان پرداختند که سرانجام کشته شدند و اسرای کلب با وساطت تمیمیان، آزاد شدند. (طبری، ۱۹۷۶، ج ۳: ۳۷۸)

نتایج پژوهش

مهاجرت قبایل قضاچه از جنوب به شمال جزیره‌العرب، حضور جدی طایفه‌های کلب در گستره-ی وسیعی از جغرافیای جزیره‌العرب را به دنبال داشت. آنها با تکیه به دامداری و تجارت، حیات سیاسی اجتماعی ویژه‌ای برای خود رقم زدند که شناخت آن برای بررسی نقش این قبیله در تحولات تاریخ صدر اسلام ضروری است. در واقع قبیله‌ی کلب در طی قرون متمادی به ژئوپلیتیکی ویژه‌ای در شمال شبه‌جزیره دست یافته بود که وابستگی به آن، سنت قبیله را حفظ می‌کرد. دوام این ژئوپلیتیک در قالب سازه انسانی قبیله، از عواملی چون نسب، باور، پیشوایی قبایل و جغرافیا تأثیر می‌پذیرفت به گونه‌ای که هر یک از این عوامل، جزء علایق ژئوپلیتیکی قبیله محسوب می‌شد

و حاضر بودند برای حفظ آن به رقابت با دیگر قبایل پردازند. بنابراین بنی کلب با این وابستگی جغرافیایی و پشتوانه‌ی تاریخی به قبیله‌ای تأثیرگذار در اواخر دوران جاهلیت و صدر اسلام تبدیل شده بود و آنها را در قلمروی گسترده خویش قدرتی بی‌رقیب ساخته بود، از این رو گسترش اسلام در این قبیله با چالش‌هایی روبرو بود.

در سال‌های اولیه‌ی ظهور اسلام، جز تعدادی انگشت‌شمار از افراد بنی کلب که دور از قبیله زندگی می‌کردند، کسی مسلمان نشده بودند. لکن از آنجا که اصلی‌ترین جغرافیای تجمع طایفه‌های کلب در شمال، دومه‌الجندل بود و گروه‌های مسیحی و بت‌پرست کلبی را در کنار بت «وَدَّ» گرد آورده بود، پیامبر(ص) اسلام، پس از تثبیت حکومت اسلامی مدینه تصمیم گرفت جهت تبلیغ، جلوگیری از ظلم و تعدی و دفع خطر احتمالی همکاری اهالی دومه با رومیان، آنجا را فتح کند. لذا با شناختی که از علایق ژئوپلیتیکی قبیله داشت، سعی نمود با اتخاذ راهبردی دقیق و متناسب، توان تاب‌آوری کلبی‌ها در مقابل اسلام را بکاهد. از بین بردن بت وُدَّ به عنوان نماد بت‌پرستان قبیله‌ی کلب در نفی وابستگی به باور نیاکان و دادن امتیاز به وفود کلب جهت تثبیت قلمرو آنها، از جمله‌ی اقدامات پیامبر(ص) در این مسیر بود.

دستاورد پژوهش بیانگر این است که پذیرش دین جدید با علایق ژئوپلیتیکی کلبی‌ها در شمال شبه جزیره در تعارض بود و ترس از به خطر افتادن موقعیت خویش داشتند، از این رو در ابتدا اکثریت قبیله رویکردی منفعلانه نسبت به اسلام را در پیش گرفتند ولی سرانجام با تغییر کیش و آیین و حفظ سایر علایق موثر در ژئوپلیتیک قبیله، مسلمان شدند. این حرکت دیر و تدریجی قبیله کلب به سمت اسلام را در نمودار ذیل می‌توان مشاهده کرد:

۱۱. همانگونه که در ژئوپلیتیک سازه‌های انسانی تحت عنوان اسلام و شیعه مطرح است.
۱۲. به نظر می‌رسد که منظور در اینجا عوف بن کنانه (که از فرزندان عوف بن عذره بود) صحیح باشد چرا که خود ابن کلبی برای عوف بن کنانه دو فرزند به نام‌های عبدود و عامرالأجدار نام برده است. (ابن کلبی، ۱۹۸۸، ج ۲: ۶۲۰)
۱۳. در مورد این که وی از مذحج بوده و یا کلب اختلاف نظر است اما ابن هشام و برخی دیگر او را از قبیله‌ی کلب می‌دانند. (ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۳: ۸۵)
۱۴. لازم به ذکر است بنی‌عبدالله بن کنانه از کلب پس از شکست در «یوم نهاده» در عسفان جای گرفته بودند. همچنین عسفان شهری بین مکه و مدینه و در هشتاد کیلومتری شمال مکه گفته شده است. (بکری، ۱۹۸۳، ج ۳: ۹۴۳ و ۹۴۴)
۱۵. نقل شده است که پیامبر (ص) در مورد کلبیان فرمود: «أنتم من قضاة بن مالک بن حمیر» (بغدادی، ۱۴۱۸؛ ۱۰، ۳۶۸۶)
۱۶. مانند گزارش عبدعمرو بن جبلة و عصام بن عامر از خادمان بت «عثر» که با شنیدن صدای «یا عصام، یا عصام، جاء الإسلام و ذهب الأصنام» از سمت آن بت، خدمت رسول اسلام (ص) رسیدند و مسلمان شدند. (ابن‌أثیر، ۱۴۰۹؛ ۱: ۴۱۰)

مطالعه

- ابن‌أثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی‌الکرم، (۱۹۶۵م) *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر- داربیروت.
- ابن‌خلدون، عبد الرحمن بن محمد، (۱۹۸۸م) *العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر*، چاپ دوم، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌خیاط، خلیفه، (۱۳۹۷ق) *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق دکتر اکرم ضیاء العمری، چاپ سوم، دمشق: نشر دارالقلم.
- ابن‌عدیم، کمال‌الدین عمر بن احمد، (بی‌تا) *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌عساکر، علی بن حسن، (۱۹۹۵م) *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌کلبی، هشام بن محمد، (۱۳۶۴ش) *الأصنام*، چاپ دوم، تحقیق احمد زکی باشا، افست تهران: نشر نو.
- ابن‌کلبی، هشام بن محمد، (بی‌تا) *جمهرة النسب*، تحقیق ناجی حسن، بیروت: نشر عالم الکتب.
- ابن‌کلبی، هشام بن محمد، (۱۹۸۸م) *نسب معد والیمن الکبیر*، چاپ اول، تحقیق دکتر ناجی حسن، بیروت: نشر عالم الکتب.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد، (۲۰۰۴م) *المسالك والممالک*، بیروت: دارصادر.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، (بی‌تا) *مقاتل الطالبیین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت: دارالمعرفة.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، (۱۹۹۴م) *الأغانی*، چاپ اول، بیروت: نشر دار إحياء التراث العربی.
- امروالقیس بن حجر، (۱۹۸۴م) *دیوان امروء القیس بن حجر*، چاپ چهارم، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالمعارف.
- أنباری، قاسم بن بشار، (۱۹۲۰م) *شرح دیوان المفضلیات*، تحقیق کارلوس یعقوب لایل، بیروت: بی‌نا.

اندلسی، ابن حزم، (۱۹۸۳م) *جمهرة أنساب العرب*، چاپ اول، تحقیق لجنة من العلماء، بیروت: دارالکتب العلمیة.
اندلسی، ابن سعید، (۱۹۸۲م) *نشوة الطرب فی تاریخ جاهلیة العرب*، چاپ اول، تحقیق نصرت عبدالرحمن، عمان:
نشر الأقصى.

باشمیل، محمداحمد، (۱۹۷۳م) *العرب فی بلاد الشام قبل الاسلام*، دمشق: بی‌نا.
بخیت، محمدعدنان، *بلاد الشام فی صدر الإسلام*، ۱۹۸۷م، مؤتمردولوی الرابع لتاریخ بلاد الشام، عمان: دانشگاه
اردن و دانشگاه یرموک.

برو، توفیق، (۱۹۹۶م) *تاریخ العرب القديم*، چاپ دوم، دمشق: دارالفکر.
البطاینة، محمد ضیف الله، (۱۹۸۵م): *القبائل العربیة فی بلاد الشام و موقفها من حركة الفتح الإسلامی*، دراسات
تاریخیه، نیشان ۱۹۸۵، العدد ۱۹ و ۲۰، دمشق: ص ۱۳۰-۱۴۸.

بغدادی، ابن قانع، (۱۴۱۸م) *معجم الصحابة*، تحقیق صلاح بن سالم المصراتی، مدینه: نشر مکتبه الغرباء الأثریة.
بغدادی، ابی جعفر محمد بن حبیب، (۱۹۴۲م) *المحبر*، تصحیح دکتر ایلزه لیختن شتیتر، حیدرآباد دکن: بی‌نا.
بغدادی، محمد بن سعد، (۱۹۶۸م) *الطبقات الکبری*، چاپ اول، تحقیق إحسان عباس، بیروت: نشر دارالصادر.
بکری، عبدالله بن عبدالعزیز، (۱۹۸۳م) فصل المقال فی شرح کتاب الأمثال، تحقیق عبدالمجید عابدين و احسان
عباس، قم: نشر مؤسسه الرساله.

بکری اندلسی، عبدالله بن عبدالعزیز، (۱۹۸۳م) *معجم ما استعجم من اسماء البلاد والمواضع*، چاپ سوم، تحقیق
مصطفی السقا، بیروت: نشر عالم‌الکتب.

بلاذری، أحمد بن یحیی، (۱۹۹۶م) *انساب الأشراف*، چاپ اول، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت:
دارالفکر.

بلاذری، أحمد بن یحیی، (۱۹۸۸م) *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
تعلبی، أخطل، (بی‌تا) *شعر الأخطل التغلبي*، تحقیق دکتر فخرالدین قباوة، بیروت: دارالأفاق الجدیة.
تقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، (۱۳۵۳ش) *الغارات*، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن
آثار ملی.

جزری، عزالدین ابن الأثیر، (۱۴۰۹ق) *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دارالفکر.
جهان، ایمانپور، عباسی، مفتخری، (۱۴۰۰): *جایگاه عوامل غیردینی مؤثر در پیروزی عرب‌های مسلمان در فتح
ایران*، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۹، زاهدان، ص ۷۵-۱۰۱.
حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۹۳ش) *اصول و مبانی ژئوپلیتیک*، مشهد: نشر پابلی.

حافظ‌نیا، محمد رضا، (۱۳۷۹ش): *تعریفی نو از ژئوپلیتیک*، تحقیقات جغرافیایی، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، شماره
۵۸ و ۵۹، مشهد: ص ۷۱-۸۸.

حموی، یاقوت بن عبد الله، (۱۹۹۵م) *معجم البلدان*، چاپ دوم، بیروت: دارصادر.
حمیری، ابن هشام، (بی‌تا) *السيرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت:
دارالمعرفة.

- خطیب تبریزی، (بی تا) شرح دیوان الحماسه، بیروت: عالم الکتب.
- دینوری، ابن قتیبه، غریب الحدیث، (۱۳۹۷ق) چاپ اول، تحقیق عبدالله جبوری، بغداد: مطبعه العانی.
- رضوی، اشرفی، (۱۳۹۶): زمینه‌های اجتماعی استمرار جشن‌های ایرانی در قرون نخستین اسلامی، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۰، زاهدان، ص ۱۱۷-۱۴۲.
- زیدان، جرجی، (۱۹۲۲ق) العرب قبل الاسلام، مصر: نشر الهلال.
- سجستانی، ابوحاتم، (۱۹۶۱م) المعمرون و الوصایا، تحقیق عبدالمنعم عامر، مصر: دارالکتب العربیه.
- سدیری، عبدالرحمن بن أحمد، (۲۰۰۵م) الجوف وادی النفاخ، چاپ دوم، ریاض: مؤسسه عبدالرحمن السدیری الخیریه.
- سمعانی، أبو سعید عبد الکریم بن محمد، (۱۹۶۲م) الأنساب، چاپ اول، تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد: مجلس دائره المعارف العثمانیه.
- شیخو، لوئیس، (۱۹۸۹م) النصرانیه و آدابها بین عرب الجاهلیه، بیروت: نشر دارالمشرق.
- شیخو، لوئیس، (۱۹۶۷م) شعراء النصرانیه قبل الإسلام، چاپ سوم، بیروت: نشر دارالمشرق.
- صفدی، خلیل بن ابیبک، (۲۰۰۰م) الوافی بالوفیات، تحقیق أحمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: نشر داراحیاء التراث.
- صیف، احمد شوقی عبدالسلام، (۱۹۶۰م) تاریخ الأدب الاعربی العصر الجاهلی، چاپ یازدهم، قاهره: دارالمعارف طبری، محمد بن جریر، (۱۹۷۶م) تاریخ الأمم و الملوک، چاپ دوم، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- العامری، ثامر عبدالحسن، (۱۹۹۲م) موسوعه العشائر العراقیه، بغداد: دارالشؤون الثقافیه العامه.
- عسقلانی، ابن حجر، (۱۴۱۵ق) الإصابه فی تمییز الصحابه، چاپ اول، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.
- علی بیگی، یوسفی فر، یوسفی، (۱۳۹۷ش): مواضع سیاسی - نظامی پیامبر(ص) در مواجهه با مسیحیان جزیره - العرب، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، شماره ۳۰، تهران: ص ۵ - ۳۰.
- علی، جواد، (۱۹۶۸م) المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، بیروت: بی نا.
- غندجانی، الأسود، (۱۹۸۵م) إصلاح ماغلط فی النمری فی معانی ابیات الحماسه، تحقیق محمد علی سلطانی، کویت: نشر معهد المخطوطات العربیه.
- غندجانی، الأسود، (۱۹۸۰م) فرحه الأديب، تحقیق دکتر محمد علی سلطانی، دمشق: دارقتیبه.
- غنیمه، یوسف رزق الله، (۱۹۳۶م) حیره، المدینه و المملکه العربیه، بغداد: بی نا.
- الفریجات، عادل عطاءالله، (۱۴۱۵ق): زهیر بن جناب، اخباره و ماتبقی من شعره، معهد المخطوطات العربیه، شماره ۸۰ و ۸۱، قاهره: ص ۱۲۹-۱۸۲.
- قیروانی آزدی، أبوعلی الحسن بن رشیق، (۱۹۸۱م) العمده فی محاسن الشعر و آدابه، چاپ پنجم، تحقیق محمد

محبی‌الدین عبدالحمید، بیروت: نشر دارالجمیل.
 كحاله، عمر رضا، (۱۹۹۴م) معجم قبائل العرب القديمة و الحديثه، چاپ هفتم، بیروت: مؤسسه الرساله.
 مرزبانی، محمد بن عمران، (۱۹۸۲م) معجم الشعراء، تحقیق دکتر کرنکو، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 مغربی، ابوالقاسم، (۱۹۸۰م) الإیناس فی علم الأنساب، چاپ اول، تحقیق حمد جاسر، ریاض: نشر النادی العربی.
 مقدسی، مطهر بن طاهر، (بی تا) البدء و التاریخ، پورت سعید: مکتبه الثقافه الدینیة.
 مقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی، (۱۹۹۹م) إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، چاپ اول، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 موصلی‌آزدی، محمد بن الحسین، (۱۹۸۹م) الکنی لمن لا یعرف له اسم من أصحاب النبی (ص)، چاپ اول، تحقیق أحمد بن محمد إسحاق بسکوبری، هند، بمبئی: نشر الدار السلفیه.
 میدانی، احمد بن محمد، (۱۳۶۶ش) مجمع الأمثال، مشهد: نشر آستان قدس.
 نصیری، زار عکار، (۱۳۹۶): تحلیل جامعه‌شناختی مسئله زنده به گور کردن دختران در جزیره العرب عصر جاهلی، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۰، زاهدان، ص ۱۹۷-۲۱۴.
 واقدی، محمد بن عمر، (۱۹۴۸م) المغازی، چاپ اول، قاهره: بی تا.
 همدانی، ابن حانک، (بی تا) صفه جزیره العرب، صنعاء: نشر ارشاد.
 همدانی، حسن بن احمد، (۲۰۰۴م) الإکلیل من اخبار الیمن و أنساب الحمیر، تحقیق محمد بن علی بن حسین الأکوع الحوالی، صنعاء: نشر دارالکتب.
 یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی تا) تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر.

Hafeznia, Mohammad Reza, (2015) Interview with French Conflict Quarterly. May 2015.

Webb, Peter, (2020) "Kalb b. Wabra", Encyclopaedia of Islam, 3rd ed, Leiden, Brill.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی